

تصویرگری با شکل واج و واژه، مختصه‌ای سبکی در قصاید خاقانی

(ص ۴۵۱-۴۲۵)

سید جواد مرتضایی^۱، علیرضاعت حسن آبادی(نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۵/۵

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده

خاقانی یکی از بزرگترین شاعران قصیده سرای صاحب سبک شمرده میشود. توجه ویژه او به صورت و فرم به اندازه‌ای است که او را در ردیف دو سه شاعر بزرگ فرمالیست شعر فارسی جای میدهد. ویژگیهای سبک شخصی او هر یک به نوعی در ارتباط با صورت و فرم است. تصویرگری با شکل حروف و واژه‌ها یکی از ویژگیهای سبک فردی اوست که میتوان آنرا نوعی شعر تصویری هم دانست و پیشینه شعر تصویری دوران معاصر را در اشعار خاقانی جست و یافت. بنابراین دیدگاه، شعر تصویری گونه‌ایست که در آن شاعر با تغییر در شکل نوشتاری شعر (گونه معاصر آن) و توجه به صورت و شکل واج و واژه و تصویرگری با آن (گونه موجود در شعر خاقانی)، ضمن ابداع و نوآوری در ساختار نگارشی، به تجسیم تصویر و دریافت بهتر منظور و موضوع نظر دارد. شعر تصویری، بدون در نظر داشتن شکل ساختاری و نوشتاری آن قابل فهم میباشد، اما دریافت مقصود شاعر با توجه به این ساختار و فرم کاملتر و تامتر است.

درین مقاله ضمن اشاره‌ای گذرا به شعر تصویری و انواع آن و مقایسه با شعر دیداری، نمونه‌هایی از گونه دوم شعر تصویری (توجه به صورت و شکل واج، واژه و تصویرگری با آن) از قصاید خاقانی، بعنوان یکی از ویژگیهای سبک فردی وی، ارائه میشود.

کلمات کلیدی

خاقانی، سبک شخصی، شعر تصویری، صورتگرایی

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه فردوسی مشهد ali_rayat2005@yahoo.com

۱. مقدمه

۱.۱. شعر تصویری (Pattern poetry)

شعر تصویری گونه‌ای از شعر در ادبیات معاصر است که مبتنی بر شکل نوشتار است. در این نوع از شعر شاعر با نگارش بیتها و سطرها بصورت غیر متعارف و چیدن لغات و گاهی واجها بر خلاف عرف رایج، قصد دارد بخش قابل ملاحظه‌ای از پیام و منظور خود را به مخاطب القا نماید. مخاطب نیز باید به شکل و صورت نگارشی شعر دقیقاً توجه نماید تا تصویر، نقش و معنایی را که شاعر در صدد انتقال آن است دریابد. این نوع از شعر به دلیل ویژگی تصویری و نمایشی، امروزه کاربردی بسیار فراوان در تبلیغات و رسانه‌های تصویری دارد.

«پیشینه شعرتصویری را میتوان در نوشته‌های باستانی و حتی غارنوشته‌ها پیگیری کرد که در آنها شکل ظاهری نوشتار، به نحو بست که با متن ارتباط دارد.»

(*Encyclopædia Britannica. Encyclopædia Britannica Online.*)

مدخل (pattern poetry).

پس از مشروطه و در ادبیات معاصر، نمونه‌های قابل توجهی از این گونه سروده شده است که از آن جمله میتوان به اشعار یدالله رویایی، اسماعیل شاهرودی، طاهره صفارزاده و کیومرث منشی زاده و دیگر شاعران اشاره کرد.

در این مقاله به بررسی گونه‌ای از شعر تصویری در دیوان خاقانی، به عنوان یکی از بزرگترین شاعران صورتگرای ایران، پرداخته میشود و با آوردن نمونه‌هایی از آن، نشان داده میشود که این گونه از شعر تصویری از علایق این شاعر بوده و این خود نشانه‌ای از تمایل بسیار وی به صورت و فرم است.

۲.۱. پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات اندکی درباره شعر تصویری در ایران انجام شده است که میتوان به مقاله «شعر تصویری و دیداری در ادبیات معاصر» نوشته احمد رضی اشاره کرد که در «اولین همایش چشم‌انداز شعر معاصر فارسی» ارائه شده است. (رضی، ۱۳۸۳) درباره این نوع از شعر تصویری در دیوان خاقانی نیز مقاله‌ای مستقل، تا آنجا که جستیم، نوشته نشده است. دو مقاله «اصالت تصویری مهمترین معیار در تصحیح دیوان خاقانی» (مهدوی فر، ۱۳۹۱) و «یک ساخت تشبیهی نویافته برپایه سبک تصویرآفرینی قصاید خاقانی» (صالحی مازندرانی و مهدوی فر، ۱۳۹۱) را میتوان تا حدودی مرتبط با موضوع این مقاله دانست. اما درمورد این مساله در

شعر خاقانی، تاکنون تحقیقی انجام نشده است. پیش از پرداختن به بحث اصلی با اشاره‌ای کوتاه به «شعر دیداری» بیان میکنیم که این نوع شعر با شعر تصویری متفاوت است.

۳.۱. شعر دیداری (concrete verse)

«یکی از مسائلی که در دهه‌های اخیر دیده شده است، خلط موضوع شعر تصویری با گونه‌ای دیگر به نام شعر دیداری میباشد».

Encyclopædia Britannica. Encyclopædia Britannica Online. مدخل (pattern poetry)

مهمترین ویژگی و تفاوت شعر دیداری با شعر تصویری این است که شعر دیداری مطلقاً بدون ظاهر شعر قابل فهم نیست و حتی بی‌معنی است. «ولی در شعر تصویری، شعر بدون در نظر گرفتن شکل ظاهری و نوشتاری معنادار است.» (همان) گاه ظاهر شعر دیداری، تنها چند کلمه بی‌معنی و بی ارتباط است که نحوه چیدن آنها به ایجاد مفهوم و معنا میکند. از نکات قابل توجه در اینگونه شعری، این است که گاه ظاهر شعر روایتی جدا از متن دارد و هیچ ربطی به مفهوم شعر ندارد.

۴.۱. انواع شعر تصویری

در تعریف شعر تصویری، و با توجه به ارتباط «شکل ظاهری و نوشتاری شعر» با «مفهوم شعر»، معمولاً یکی از دو حالت زیر رخ میدهد:

۱.۴.۱. شکل ساختاری با کلیت محتوای شعر در ارتباط است

کارکرد این مدل شعر تصویری بیشتر در اشعار کوتاه است. اشعاری که در کل حاوی یک مضمون واحدند و مضامین متعدد در آنها وجود ندارد. در حالتی ضعیفتر، در اشعاری دیده میشود که مضامین چندگانه در شعر وجود دارد، لکن ساختار نوشتاری شعر مرتبط با موضوع اصلی است.

۲.۴.۱. شکل ساختاری شعر با بخشی از محتوای آن (نه همه محتوا و مضامین) در ارتباط است.

درین قسمت، ارتباط شکل ساختاری متن تنها با بخشی از مفهوم شعر و نه همه آن است. این کارکرد را میتوان در اشعار بلند و نیز اشعار کلاسیک مشاهده کرد.

۵.۱. تکمله و توضیحی بر تعریف شعر تصویری

مراد از «شکل ظاهری و نوشتاری شعر»، در تعریف شعر تصویری، شکل هریک از اجزای کلام است. «شکل ظاهری و نوشتاری شعر» میتواند در قامت «شکل نوشتاری کلی شعر»، «شکل نوشتاری بخشی از یک شعر حاوی چندین کلمه و عبارت» و حتی «شکل نوشتاری کلمات و حروف به صورت مجزا» متجلی شود. بنابراین اگر در شعری، شاعر بتواند از شکل ظاهری هر چیز حتی واجهای زبان، مفهومی را به شعر اضافه کند و یا با تجسیم و تصویر در کنار استفاده از هر نوع صورت خیالی، تضاد، تناسب و سایر مقوله‌های بلاغی مرتبط منظور خود را بهتر بیان نماید، آن شعر ذیل شعر تصویری جای میگیرد.

۶.۱. خاقانی و شعر تصویری

دقت در دیوان خاقانی نشان میدهد که خاقانی در تعداد قابل توجهی از ابیات خود، آگاهانه مفاهیم بنیادی شعر تصویری را بکار برده و در این کار بسیار هنرمندانه عمل کرده است. در واقع درین مقاله این ادعا مطرح است که قرن‌ها پیش از تولد شاعرانی چون «مالارمه که بنیانگذار شعر تصویری بوده‌اند»

(Encyclopædia Britannica. Encyclopædia Britannica Online)

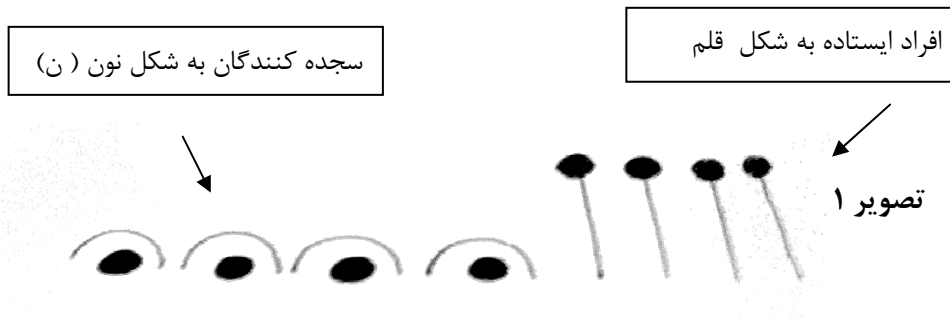
مدخل (patter poetry)

خاقانی شعر تصویری را بکار برده است و بسامد این ویژگی در قصائد خاقانی بنحوی است که میتوان این ویژگی را ویژگی سبکی وی نامید. ابیات و نمونه‌هایی که در ادامه مقاله خواهد آمد، گواهی برین مدعاست.

مثال ۱

در صفّ و سجده از قد و پیشانی ملوک
نون و القلم رقم زده بر آستان اوست
(دیوان خاقانی: ص ۷۳)

در این بیت خاقانی افرادی را که در برابر آستان ایستاده‌اند، به قلم و افرادی را که بسجده افتاده‌اند، به نون تشبیه کرده است. اما نکته تصویری این بیت، با شکل زیر کامل میشود:



تصویر شماره ۱ ساده‌ترین شکل نشان دادن دو گروه آدم است. گروه اول ایستاده‌اند و گروه دوم در حال سجده‌اند. «نون» (اشاره به سجده کنندگان) و «القلم» (اشاره به افرادی که ایستاده‌اند) را بوضوح میتوان در این تصویر مشاهده کرد. نکته جالب در این بیت اینست که «ن» را اگر برعکس بنویسیم، شکل کسی است که در حال سجده است. بدون توجه به شکل و تصویر مورد نظر شاعر بخشی از مفهوم قابل دریافت نیست.

مثال ۲

بیتی دیگر شبیه به بیت قبل که خاقانی از ترکیب «نون و القلم» استفاده کرده است: «پشت خم، راست دل به خدمت او همچو نون والقلم همه کمر است» (همان: ص ۸۵) خاقانی در بیت فوق، با استفاده از لف و نشر مرتب، خمی پشت را از شکل ظاهری نون (ن) و راستی دل را از شکل ظاهری قلم اراده کرده است.

مثال ۳

«ماه و سر انگشت خلق این چو قلم آن چو نون خلق چو طفلان نو شاد به نون والقلم» (همان: ص ۲۶۱)

که در بیت فوق شکل ماه را به شکل ساختاری ن (هلالی شکل) و انگشت خلق را به قلم تشبیه کرده است.

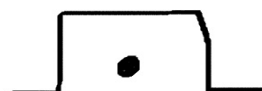
مثال ۴

دو بیت زیر یکی از شاهکارهای خاقانی در بحث تشبیه و استفاده از شعر تصویری است. دو بیت زیر شرح کجاوه‌ای است که دو نفر در آن نشسته‌اند.

«ماند کژاوه حامله خوش خرام را اندر شکم دو بچه بمانده محصرش یا بی‌قلم دو نون مربع نگاشته اندر میان چو تا دو نقطه کرده مضمزش» (همان: ص ۲۱۷)

در بیت نخست، خاقانی کجاوه را به شکم زن حامله خوش خرامی تشبیه کرده است که در شکمش دو بچه است و در بیت دوم همین کجاوه را با استفاده از شکل ظاهری حروف «ن» و «ت» تصویر کرده است. به این شکل که دو نفر نشسته در کجاوه را به دو نقطه حرف تا «ت» تشبیه کرده است و شکل ظاهری کجاوه را به صورت دو «ن» تصور کرده است. دو «ن» که برعکس نوشته شده‌اند. البته خاقانی درین بیت هنرمندی دیگری نیز بخرج داده است. هنرمندی وی در ترکیب «نون مربع» مشخص میشود. این ترکیب ساخته خاقانی است که بتبع دو ترکیب «عین مربع» و «غین مربع» ساخته شده است. «عین مربع. [ع ن م ر ب ا] (ترکیب وصفی، مرکب) نام حرف عین است چون آنرا بدین صورت

«ع» نویسند. نام حرف «ع» را آنگاه که بصورتی خاص تحریر گردد (فرهنگ دهخدا، مدخل عین مربع) با توجه بمعنی مربع معلوم میشود که عین مربع به شکل (ع) و غین مربع به شکل (غ) میباشد. با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه میشود که منظور خاقانی از «نون مربع» تصویری به شکل زیر است:



تصویر ۲

و اگر دو نون مربع در نظر بگیریم شکل زیر حاصل میشود:



تصویر ۳

که شبیه این است که دو نفر در کجاوه‌ای نشسته باشند و نیز شکل «ت» ای است که برعکس نوشته شده باشد و نقطه‌های آن سر دو نفری است که در کجاوه هستند.

مثال ۵

یکی از معروفترین ابیات خاقانی بیت زیر است که مصداق بارز شعر تصویری است.
«چنان استاده ام پیش و پس طعن که استاده است الف‌های اطعنا» (همان: ص ۲۵)
تصویر شعری خاقانی در این بیت در کلمه ی «اطعنا» نهفته است. به شکل زیر دقت شود:

اطعنا

تصویر ۴

اگر فقط به دو الف ابتدا و انتها توجه کنیم و تمام مقصود خاقانی را در این بدانیم که اشاره به این دو الف داشته است، بخشی از مقصود خاقانی را از دست داده ایم. (قسمتی از منظور خاقانی همین بوده است که طعنه و کنایه وجودش را فرا گرفته است، نیز بخشی از منظور وی این بوده است که مطیع و بی چون و چرا ایستاده است و فرمانبر است) اما مروری اجمالی بر قصیده‌ای که حاوی این بیت است ما را به مفهومی فراتر رهنمون میسازد. بار دیگر به تصویر شماره ۴ دقت کنید. شکلی که خاقانی از آن اراده کرده است، شبیه شکل کسی است که در حال دعا و نیایش است و دستها را بسمت بالا گرفته است. (تصویر ۵). درواقع خاقانی، بنابر شکل ظاهری «اطعنا»، پناه بردن به خدا و دعا، برای رفع کنایه و طعن دیگران را نیز مد نظر داشته است.



تصویر ۵

مثال ۶

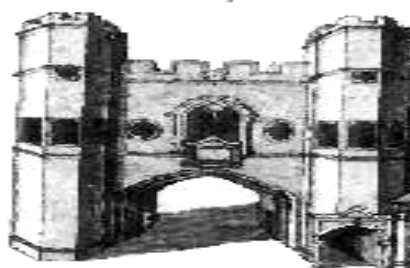
«دروازه سرای ازل دان سه حرف عشق دندانه کلید ابد دان دو حرف لا» (همان:ص ۳)
در مصراع اول شاعر بطرزی اعجاب آور، از شکل ظاهری حروف «ع» و «ش» و «ق»، شکل دروازه را اراده کرده است. به تصاویر شماره ۶ تا ۸ دقت شود:



تصویر ۶



تصویر ۷



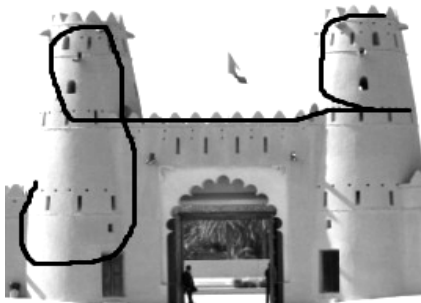
تصویر ۸

تصاویر فوق نشان می‌دهد که معماری غالب دروازه‌های قدیمی بصورتی است که دو برج در دو سمت دروازه مشاهده میشود و دالانی معمولاً مسطح این دو برج را به هم متصل میکند. خاقانی از حرف عشق به شکل زیر دروازه را اراده کرده است:

عشق

تصویر ۹

در تصویر شماره ۹ مشاهده میشود که شکل ظاهری سه حرف عشق شبیه به دروازه است. تصویر شماره ۱۰ مؤید این مطلب است که در آن تصویر حروف «عشق» بر تصویر دروازه‌ای قدیمی نگاشته شده است:



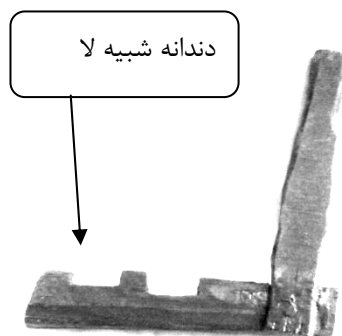
تصویر ۱۰

شاید این تحلیل ذوقی بنظر آید، اما دقت و توجه خاقانی به شکل کتابت لغات و حروف و تطبیق آنها بر اشیا و اجسام میتواند مؤید این دیدگاه و تحلیل باشد، ضمن اینکه در مصراع دوم همین بیت نیز این تجسیم و تصویر دیده میشود. در مصراع دوم شکل کلمه «لا» به دندانۀ کلید مانند شده است. برای توضیحات بیشتر از تصویر ۱۱ که اثر سعید بهداد است کمک میگیریم:



تصویر ۱۱

در تصویر ۱۱ که از هفته نامه «همشهری جوان» گرفته شده است (همشهری جوان: ص ۶۲) دندانهای کلید، کلمه جلاله «الله» در نظر گرفته شده است. مفهوم مصراع دوم بیت یادشده، دقیقاً در تصویر ۱۴ نیز بچشم میخورد. لازم بذکرست که کلیدهای قدیم، که برای کلیندان (کلیددان، کلیدان، کلند: قفلهای چوبی) ساخته میشدند، دارای دو دندانۀ بوده‌اند که دو دندانۀ دقیقاً شکل کلمه «لا» بوده است. (تصاویر ۱۲ و ۱۳) خاقانی این تصویر را زیبایی و مهارت در شعر خود آورده است.



تصویر ۱۳: نمونه ای از
کلیدهای قدیمی برای کلیدان



تصویر ۱۲: نمونه ای از یک
کلیدان (کلند، کلیدان) قدیمی

مثال ۷

«بر در آمدیشان قفل از «فقل حسبی» زده تا ز دندانه کلیدش سین سبحان دیده‌اند»
(دیوان خاقانی: ص ۹۳)

که عبارت «سین سبحان» اشاره به شکل ظاهری «س» و نیز کلید دارد.

مثال ۸

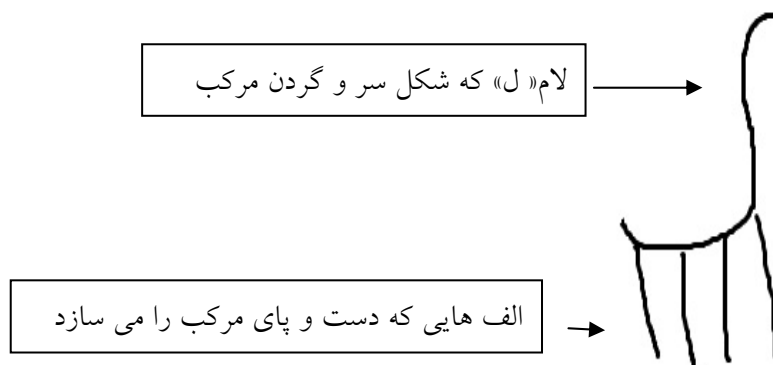
بی لام سر زلفت نون است قد چاکر ای ماه چه نونست این یا نیز چه لامست آن»
(همان: ص ۶۵۳)

شاعر از شکل ظاهری «ل» برای وصف موی یار، و «ن» برای وصف قد خمیده استفاده کرده است.

مثال ۹

چون صد هزار لام الف افتاده یک به یک از دور دست و پای نجیبان رهبرش»
(همان: ص ۲۱۷)

در بیت فوق خاقانی با استفاده از شکل «ل» و «ا» شکل ظاهری نجیبان (شتران یا اسبان) را اراده کرده است. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴

مثال ۱۰

«بالا برآر نفس چلیپا پرست از آنک عیسی توست نفس و صلیب است شکل لا»
(همان:ص ۱۶)

نکته تصویری در این بیت اینست که خاقانی، شکل لا در خط کتاب زمان خودش را مد نظر داشته است که شبیه صلیب نوشته میشده است.



تصویر ۱۵

و در بیتی دیگر لا را میانبسته نامیده که علاوه بر مفهوم کنایی آن ناظر بر شکل ظاهری لا است.

مثال ۱۱

«از گه عهد الست چیره زبان در بلی پیش در لاله بسته میان همچو لا» (همان:ص ۳۶)
و در بیتی دیگر «لا» را به اژدهایی تشبیه کرده است

مثال ۱۲

«بی حاجتی لا به در دین مرو که هست دین گنج خانه‌ی حق و لا شکل اژدها» (همان:ص ۳)
در بیت فوق، لا در کلمه طیبه «لا اله الا الله» در مقام نفی شرک و شک است، به اژدهای دوسر تشبیه شده است. باز در جای دیگر این تشبیه را بکار برده است (مثال ۱۵)

«لا زان شد ازدهای دو سر تا فرو خورد هر شرک و شک که در ره آلا شود عیان»
(همان: ص ۳۱۰)

مثال ۱۳

ببستم حرص را چشم و شکستم آز را دندان چو میم اندر خط کاتب چو سین در حرف دیوانی
(همان: ص ۴۱۱)

که از شکل ظاهری میم، چشم بسته بودن و از شکل ظاهری سین کشیده **س**
دندان شکستگی را اراده کرده است. خاقانی در ابیات دیگری نیز از شکل ظاهری میم
(چشم بسته بودن) را اراده کرده است

مثال ۱۴

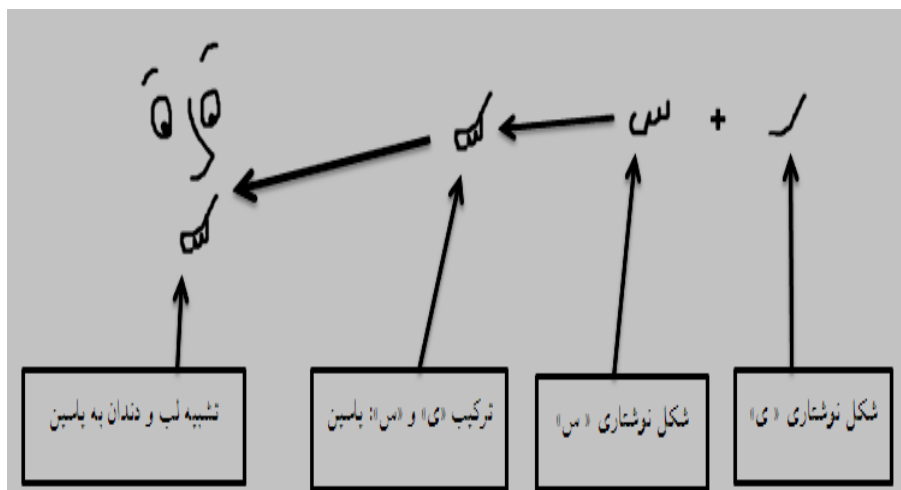
«وز سر ناوک اجل صورت بخت خصم را دیده چو میم کاتبان کور شد از مکدری»
(همان: ص ۴۲۴)

مثال ۱۵

«بر بخت من که کورتر از میم کاتبست بگریست چشم‌های هنر کز تو بازماند» (همان: ص ۵۳۲)
البته در بیت فوق شاعر علاوه بر اشاره به شکل ظاهری میم، به شکل ظاهری کلمه هنر
اشاره دارد که «های» ابتدای آن را به دو چشمی تشبیه کرده است که باز مانده‌اند.

مثال ۱۶

از چشم بد ایمنی که دارد دندان و لب تو شکل «یاسین» (همان: ص ۶۵۲)
در مثال ۱۶، خاقانی دندان و لب را به شکل نوشتاری «یاسین» تشبیه کرده است. وی
شکل لب را به شکل «ی» در رسم الخط شکسته نستعلیق و دندان را به شکل «س» دندانه
دار تشبیه کرده است.
برای توضیح بیشتر شکل نوشتاری «ی»، شکل نوشتاری «س» و ترکیب «ی» و «س»،
و آنچه مد نظر خاقانی بوده است (تشبیه لب و دندان به یاسین)، در تصویر ۱۶ آورده شده
است.



تصویر ۱۶

در جای دیگر نیز دقیقاً اثر گازگرفتن با دندان بر بازو را به نقش یاسین تشبیه کرده است که شبیه مثال ۱۶ است:

مثال ۱۷

«بنده دندان خویشم کو به گاز
همچنین در جای دیگر میاورد:

نقش «یاسین» کرد بر بازوی تو» (همان:ص ۶۵۸)

مثال ۱۸

«زمزم آنکه چون دهانی آب حیوان به گلو و آن دهان از «میم» لب چون «سین» دندان آمده» (همان:ص ۳۷۰)

در بیت فوق که از قصیده‌ای گرفته شده که خاقانی آن را در کنار خانه کعبه سروده است، در مصراع اول، چاه زمزم به دهانی تشبیه شده است که آب حیوان به گلو دارد. اما در مصراع دوم به شکل ظاهری چاه زمزم اشاره دارد. خاقانی، ابتدا منحنی سرچاه را به شکل نوشتاری «میم» و سپس سنگچینه‌های لب چاه را به شکل نوشتاری «س» تشبیه کرده است.

مثال ۱۹

«بر خوان همتش جگر آز میخورد
دندان تیز سین که شده ست افسر سخاش» (همان:ص ۲۳۳)

افسر در لغت علاوه بر معانی متعددی که دارد، به معنای تاج و کلاه پادشاهان نیز می‌باشد (لغت نامه دهخدا، مدخل افسر). در مصراع دوم بیت فوق، خاقانی به شکل نوشتاری

کلمه «سَخا» نظر داشته است که حرف «س» اولین حرف آن است. وی حرف «س» ابتدای کلمه «سَخا» و دندان تیز آن را، به تاجی تشبیه کرده است که بر سر کلمه «سَخا» آمده است. اما نکته کلیدی، «تشبیه شکل «سین» به سبب دنداندار بودن، به شکل تاج» است. تصویر شماره ۱۷ روشنگر این تشبیه است.



تصویر شماره ۱۷

در تصویر شماره ۱۷، شکل چهار مدل تاج آورده شده است که می‌تواند با آنچه خاقانی از شکل ظاهری «س» و دندان‌های تیز آن اراده کرده است، شباهت داشته باشد.

مثال ۲۰

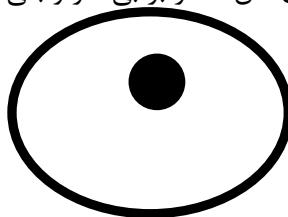
«نزد رئیس چون الف کوفی آمدم چون دال سرفکنده خجل سار میروم
بر عین غین گشته ز خجلت ز عین مال چون حرف غین بین که گران‌بار میروم»
(همان: ص ۸۹۸)

که در دو بیت فوق به شکل ظاهری الف کوفی، دال (سرافکنده) و حرف غین (گرانباری حرف غین بسبب نقطه آن در مقایسه با حرف عین) اشاره دارد. در مورد معنی الف کوفی در فرهنگها اتفاق نظر وجود ندارد. «الف کوفی . [ا ل ف] (ترکیب وصفی) الف کوفیان. حرف الف در خط کوفی. کنایه از هر چیز خمیده. (انجمن آرا). کنایه از چیز کج، زیرا الف خط کوفی کج است. (از غیاث اللغات). کنایه از هر چیز کج. (برهان قاطع)» (لغت نامه د خدا، مدخل الف کوفی)

مثال ۲۱

«دل منه بر عشوه های آسمان زیرا که هست بی سر و بن کارهای آسمان چون آس مان»
(دیوان خاقانی، ص ۳۲۴)

خاقانی کارهای آسمان را به شکل آس تشبیه کرده است که وجه شبه آن بی سر و بن بودن است. شکل دایره ای آس، ناظر بر بی سر و بنی آن است.



تصویر ۱۸

مثال ۲۲

«زهرچه زیب جهان است و هر که اهل جهان مرا چو صفر تهی دار و چون الف تنها»
(همان:ص ۱۰)

صفری که مورد نظر خاقانی بوده است، احتمالاً صفر لاتین است نه صفر مرسوم در زبان فارسی و عربی. چرا که صفر در نگارش فارسی و عربی، معمولاً و غالباً توپر و در لاتین (ترسایبی) میان تهی است. اگر به شکل صفر دقت شود مفهومی که خاقانی از آن اراده کرده است، مشخص خواهد شد. نیز از تنهایی حرف «الف» شکل نگارشی آن را اراده کرده است و دیگر اینکه در ابتدای کلمه به حرف بعدی نمیچسبید. نکته دیگر که از این بیت دریافت میشود ترکیب دو حرف «الف» و «ه» است که دو کلمه «آه» و «اه» را ایجاد میکند، که هم معنای آه و حسرت شاعر را دربر دارد و هم معنی اه و نفرت وی را نسبت به دنیا. نمونه‌ای که میتواند شاهد این بیت در معنی (آه یا اه) باشد مثال ۲۳ است.

مثال ۲۳

«هست مطوق چو صفر خصم تو بر تخت خاک در برش آحاد و صفر یعنی: آه از ندم»
(همان:ص ۲۴۲)

در مصراع اول طوقی که برگردن دشمن افتاده است را بشکل ظاهری صفر تشبیه کرده است. به نظر میرسد در مصراع دوم، از شکل آحاد («آحاد. (ع) جِ أَحَد. یکان» (لغت نامه دهخدا، مدخل آحاد)) نیزه را اراده کرده و از صفر سپر را و ترکیب این آحاد (یک و یکان) و صفر را به صورت آه دیده است و این همان چیزی است که در مثال ۲۲ نیز ذکر گردید. در ابیاتی دیگر نیز با توجه به شکل نگارشی الف و ه تنهایی و تهی بودن را بیان داشته است، از جمله:

مثال ۲۴

«چون صفر و الف تهی و تنها چون تیر و قلم نحیف و عریان» (همان: ص ۳۴۶)

نتیجه

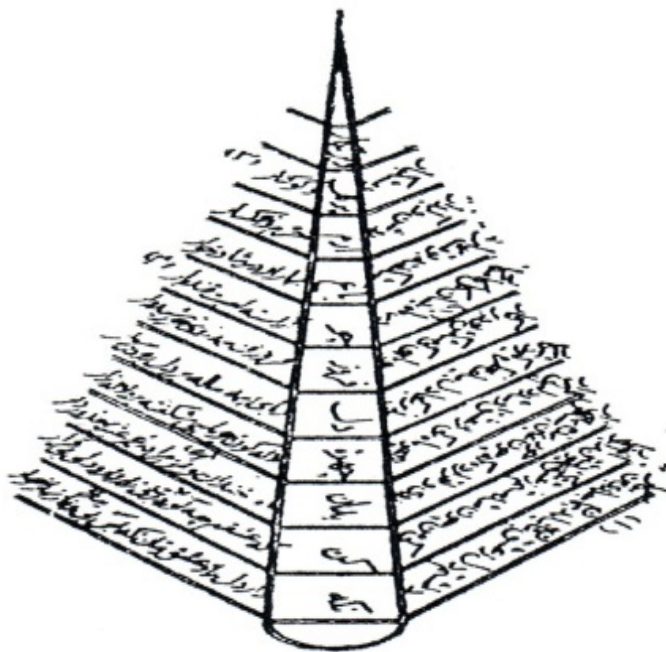
الف: با توجه به تعریف شعر تصویری و انواع آن، خاقانی را میتوان یکی از پیشگامان شعر تصویری دانست.

ب: فهم محتوا و مفهوم ابیاتی از خاقانی که از گونه های شعر تصویری است، در گرو توجه به شکل و تصویر ارائه شده در نوشتار شعر است.

ج: با توجه به بسامد آن در دیوان خاقانی میتوان آنرا یکی از مختصات سبک شخصی خاقانی قلمداد کرد.

یادداشتها

۱. لازم به توضیح است که در گذشته از روی تفنن بیتهایی را در اشکالی چون درخت یا دایره و یا طوق مینوشتند. بعنوان مثال تصویر زیر از کتاب «المعجم» شمس قیس نمونه‌ای از یک شعر مشجر را نشان میدهد (معايير الاشعار، شمس قیس: ۳۹۸) که بیتهای جدول بصورت درخت سرو نشان داده شده‌است. همچنین اگر از هریک از واژگان مصراع وسط (نگه کن بدان چهره دلفروز...) شروع به خواندن کنیم و خواندن را با رو کردن به راست یا چپ ادامه دهیم با بیتی تازه روبرو میشویم. این شعر در مجموع ۲۳ بیت دارد:



تصویر ۲۱

همانطور که گفته شد باید توجه داشت که اینگونه شعرها و در آوردن آنها به اشکالی چون سرو و ... در آثار بلاغی قدیم نوعی بازیچه و تفنن بوده است و با آنچه تحت عنوان شعر تصویری در شعر معاصر میبینیم، تفاوت دارد.

۲. استفاده از شکل ظاهری واجهای زبان فارسی در ساختار تشبیهات، خود گونه‌ای از شعر تصویری است و تا امروز نیز میان برخی شاعران معمول است، نک: (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۱۲۳) خاقانی علاوه بر شکل واجها از شکل کلمات نیز برای بیان مقصود و ایجاد تصویر استفاده کرده است، مانند مثالهای ۵ و ۶ و ۱۰ و ۱۵ .

منابع

۱. از پنجره های بی پرده. بدیع، علیرضا. (۱۳۸۸). چاپ دوم. تهران: فصل پنجم.
۲. اصالت تصویری مهم‌ترین معیار در تصحیح دیوان خاقانی. مهدوی فر، سعید. (۱۳۹۱).
۳. بوستان ادب، سال چهارم، شماره اول، پیاپی یازده، بهار، ص ۱۶۱-۱۸۳.
۴. المعجم فی معاییر اشعار العجم. قیس رازی، شمس الدین محمد. (۱۳۶۴). به تصحیح محمدقزوینی. تهران: کتابفروشی تهران.
۵. تاریخ تحلیلی شعر نو. لنگرودی، شمس. (۱۳۷۷). تهران: نشر مرکز.
۶. دیوان اشعار. خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی نجار. (۱۳۷۸). به تصحیح ضیاءالدین سجادی. (چاپ ششم). تهران: انتشارات زوار.
۷. فنون بلاغت و صناعات ادبی. همایی، جلال الدین. (۱۳۵۴). تهران: سپاهیان انقلاب ایران.
۸. لغت نامه. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۵). به کوشش محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. یک ساخت تشبیهی نویافته برپایه سبک تصویرآفرینی قصاید خاقانی. صالحی مازندرانی، محمدرضا و مهدوی فر، سعید. (۱۳۹۱). *فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)*. سال پنجم. شماره اول. صص ۹۱ تا ۱۱۲.
۱۰. همشهری جوان. (۳۰ آبان ۱۳۸۸). سال پنجم. شماره ۲۳۸.

"pattern poetry." *Encyclopædia Britannica. Encyclopædia Britannica Online*. Encyclopædia Britannica, 2011. Web. 28 Sep. 2011.